نام مقاله: رويكردهايي نو به سازماندهي اطلاعاتي

نام نشريه: فصلنامه كتابداري و اطلاع رساني (اين نشريه در www.isc.gov.ir نمايه مي شود)

شماره نشريه: 37 \_ شماره اول، جلد 10

پديدآور: ترجمه شعله ارسطوپور

مترجم: شعله ارسطوپور

رويكردهاي نو به سازماندهي اطلاعات

(آيا امكان سازماندهي تمام اطلاعات وجود دارد؟ ديدگاهي كتابخانه‌اي)

پاتريك لوبوف

ترجمه شعله ارسطوپور

چكيده

به منظور پاسخ‌دهي به اين پرسش كه «آيا امكان سازماندهي تمام اطلاعات وجود دارد؟ ديدگاهي كتابخانه‌اي» اين مقاله در پي تبيين نقش و ماهيت اطلاعات، انتخاب و سازماندهي اطلاعات در متن كتابخانه است. در كنار تعريف انواع اطلاعات كتابخانه‌اي به برخي از محدوديتهاي سازماندهي اطلاعات خصوصاً اطلاعات كتابشناختي با نيم نگاهي به مدل FRBR نيز اشاره شده است. در نهايت مؤلف به اين نتيجه مي‌رسد كه سازماندهي تمام انواع اطلاعات در بستر و از ديدگاه كتابخانه‌اي به هيچ وجه ميسر نخواهد بود.

كليدواژه‌ها: سازماندهي اطلاعات، مدل ملزومات كاركردي پيشينه‌هاي كتابشناختي

مقدمه

هنگامي كه برخي از همكاران فنلاندي از من پاسخي براي اين مسئله كه «آيا امكان سازماندهي تمام انواع اطلاعات وجود دارد؟ ديدگاهي كتابدارانه» خواستند، اولين واكنشم اين بود كه: «پاسخ چنين سؤالي بسيار ساده است: خير ـ والسلام». اما پس از آن، متوجه شدم كه بايد حدود 45 دقيقه درباره اين پاسخ ساده صحبت كرده و دلايلي براي آن بيابم. علاوه بر اين، پاسخي چنين كوتاه و منفي به نظرم بسيار فرانسوي نما بود. همان‌گونه كه مي‌دانيد، فرانسويها اكنون به خاطر پاسخهاي منفي خود بسيار مشهور شده اند، اين پاسخها هيچ ارتباطي با چيستي سؤال ندارد: «نه» به جنگ عراق، «نه» به متن ويرايش شده ISBD(ER)، «نه» به اتحاديه اروپا و يا حتي «نه» به گوگل پرينت . بنابراين، براي اينكه در انظار شبيه يك فرانسوي نباشم، هريك از واژه هاي موجود در جمله مذكور را به منظور درك بهتر از معناي سؤال و جزئيات اين موضوع، مورد بررسي قرار خواهم داد.

1. «اطلاعات»؟

شايد مهمترين واژه در اين پرسش واژه «اطلاعات» باشد. منظور از «اطلاعات» چيست؟ چگونه مي‌توان تعريفي از آن ارائه داد؟

تعاريف متعددي براي «اطلاعات» ارائه شده است. مقاله اي از خوزه كلوديو تررا و ترزينا آنجلوني به مواردي چون «داده‌هاي سازمان يافته»، «داده‌هاي هدفمند يا مرتبط با هدف» و «داده‌هاي تفسير شده» اشاره كرده و در نهايت بيان مي دارد: «اين تعاريف، به ساير تعاريفي كه به دخالت انساني در سازماندهي هدفمند داده‌هاي خام اشاره مي كند، شباهت دارند». كليه اين تعاريف مبتني بر تمايز ميان «اطلاعات» و «داده» است. مفهوم اصطلاح «اطلاعات» را بدون تعريف داده، نمي‌توان درك نمود. در واقع، در حوزه نظريه اطلاعات، ساختاري سلسله مراتبي وجود دارد كه از «داده» (موجوديت خام) شروع شده، به «اطلاعات» (موجوديت خامي كه به صورتي هدفمند توسط عامل انساني سازماندهي شده است)، سپس به «دانش» (موجوديتي غير مادي كه تنها در ذهن انسان بوده و بر مبناي منابع اطلاعاتي مختلف شكل مي گيرد) و در نهايت به «خرد» (موجوديتي چنان اثيري كه هرگونه تلاش در جهت تعريف آن عاقلانه به نظر نمي‌رسد) ختم مي‌شود. «داده» توسط هوا ـ وي لي به صورت «واقعيات، نوشته ها، اعداد و نمادهاي پراكنده و بدون ارتباط» تعريف شده است. چنانچه قبول نماييم كه «اطلاعات» اساساً «داده‌هاي سازماندهي شده به صورت هدفمند» مي‌باشند، بنابراين بايد «سازماندهي اطلاعات» را سازماندهي آنچه پيشتر سازماندهي شده است بدانيم. مسلماً در هر حال بايد يا آن را سازماندهي نماييم و يا لايه‌اي جديد به سازمان آن بيفزاييم. به طور قطع، آن‌گونه كه ادعا مي‌كنيم به «سازماندهي نابسامانيها» نمي‌پردازيم، بلكه تنها موجوديتهايي را كه از قبل نظمي دروني دارند، سازماندهي مجدد مي‌كنيم. پرسش اصلي كه عنوان اين نشست ماهواره‌اي را تشكيل مي‌دهد، در واقع «چگونگي سازماندهي نابساماني» نيست بلكه «چگونگي سازماندهي بساماني‌هاست».

الين سونونيوس در «زيربناي فكري سازماندهي اطلاعات» تعريفي از «اطلاعات» ارائه مي‌دهد كه در آن از اصطلاح «داده» استفاده نمي‌شود (اگرچه مفهوم آن در بطن تعريف وجود دارد): «اطلاعات، محتواي يك پيام است» و يا به عبارت ديگر «آنچه انتقال مي يابد» اطلاعات است. وي مي‌افزايد، در حوزه نظامهاي اطلاعاتي، اطلاعات به پيامهايي كه محتواي آنها 1) توسط انسانها خلق شده، 2) مضبوط بوده و 3) ارزش نگهداري را داشته باشند، محدود مي‌شود.

از آنجا كه بحث يانا ككلينن در پي پاسخ به اين مسئله بود، بيش از اين بر معناي اصطلاح «اطلاعات» تمركز نمي‌كنيم مگر از ديدگاهي كلي، زيرا موضوع من پاسخ به اين مسئله از «ديدگاه كتابخانه‌اي» بوده است.

2. اطلاعات «در كتابخانه‌ها»؟

پس مفهوم «اطلاعات» در زمينه خاص كتابخانه‌ها چيست؟ در اين جا بايد به يك ابهام پاسخ داد، زيرا وقتي مي‌گوييم «اطلاعات در كتابخانه» مي‌توانيم به دو ديدگاه متفاوت اشاره نماييم. منظور ما مي‌تواند اطلاعات موجود در منابع كتابخانه و يا اطلاعات تهيه شده توسط كتابخانه‌ها درباره اطلاعات و مدارك حاوي اين اطلاعات، باشد. كدام نوع از اطلاعات در اين جا مورد نظر است؟ تصميم ما پاسخ را روشن و چگونگي رويكرد ما به سازماندهي اطلاعات را تحت تأثير قرار خواهد داد.

2ـ1. اطلاعات موجود در منابع

كتابخانه‌ها سازماندهي اين نوع از اطلاعات را به واسطه دو فعاليت به انجام مي‌رسانند: 1) از ميان كليه منابع در دسترس، منابعي را بر مي‌گزينند كه بنا برگفته سونونيوس «ارزش نگهداري را داشته باشند» و موارد انتخابي همراه با «منابع موجود» مجموعه كتابخانه را تشكيل مي‌دهد. 2) اين مجموعه را به صورت فيزيكي در قفسه ها تنظيم مي‌كنند.

2ـ1ـ1. انتخاب اطلاعات

انتخاب اطلاعات مسئله‌اي بسيار اساسي بوده و با پيشرفتهاي ديجيتالي اهميت تازه‌اي يافته است. من البته به خوشبيني توماس هيكي كه بيان مي دارد «همه چيز به سمت ديجيتالي شدن پيش مي‌رود»، نيستم. پنج قرن پس از ابداع چاپ، همچنان كار تبديل كليه دستنوشته هاي قرون وسطايي به مدارك چاپي را به اتمام نرسانده ايم ـ پس براي تبديل كليه متون چاپي به قالب فناوري جديد چه مدت زماني لازم خواهد بود؟ موقعيت ما بسيار شبيه وضعيت اوايل قرن شانزدهم است. نظاره گر تحولي عظيم در فناوري هستيم و بايد براي تعيين اولين و مهمترين مداركي كه بايد در قالب محملهاي جديد در آيد، دست به انتخاب بزنيم. نمي‌توان كليه اطلاعات موجود در محملهاي آنالوگ را تحت قالب وب درآورد. درست همان‌گونه كه در قرن شانزدهم، تبديل تمام دستنوشته ها به كتابهاي چاپي در يك زمان امكان‌پذير نبود. در 20 سال آينده، وب اصلي ترين راه انتقال مفاهيم شده و استفاده از محملهاي «سنتي» (منظور تنها كتاب نيست) بتدريج به برخي از نيازهاي خاص محدود خواهد شد، درست همانند قرن شانزدهم كه استفاده از دستنوشته هايي كه زماني روش عادي انتقال مفاهيم بودند، رفته رفته به موارد خاص و محيطهاي خصوصي محدود گرديد (و البته امروزه نيز همچنان دستنوشته تهيه مي‌كنيم). شايد بتوان گفت، انتقال نيافتن اطلاعات موجود به محملهاي نوين، مسلماً راه مناسبي براي «سازماندهي» اطلاعات نخواهد بود.

در قرن شانزدهم، دانشمندان و ناشران از نزديك با فرايند انتخاب درگير بودند. چند سال پيش، هنگام نگارش يك مقاله‌ـ كه هرگز تمام و چاپ نشد‌ـ فرصتي يافتم تا كتاب چاپي منتشر شده در سال 1521 در بازل توسط يوهان فروبن را مطالعه كنم. يوهان فروبن ناشر و دانشمند بود و با ساير دانشمندان در زمينه انتخاب متوني كه بايد اول منتشر شوند، همكاري مي نمود. وي در مورد اين كتاب خاص، به توصيه بئاتوس رنانوس دانشمند انسان گرا كه به تازگي دستنوشته اي قديمي شامل رساله‌هاي بلاغي را در كتابخانه اسپير يافته بود، عمل نمود. بئاتوس رنانوس عقيده داشت دستنوشته مذكور ارزش چاپ شدن را دارد اگرچه بخشهايي از متن آن تا حد زيادي از بين رفته بود. يوهان فروبن پيشگفتاري بر متن افزوده و در آن بيان داشت: «براي آنكه هيچ فرصت مغتنمي از دست نرود، [از ميان آن دستنوشته هاي قديمي] برخي نكات بلاغي لاتيني را برگزيده تا چاپ نماييم [...]. چنانچه خواننده هرآينه سودي از اين [نشريه] حاصل آورد، همه را مديون عالي‌جناب بئاتوس رنانوس خواهد بود، زيرا او اين دستنوشته را از كتابخانه اسپير فراآورده و حياتي مجدد به آن بخشيده است؛ دستنوشته‌اي كه در غير اين صورت محكوم به فراموشي و فنا بود، گويي كه از جهاني ديگراست».

ممكن است جمله‌بندي و كلمات مطالب فوق نسبت به آنچه امروزه به كار مي بريم بسيار متفاوت باشد، اما ايده اصلي همان است. كتابهاي چاپي و ساير محملهاي «سنتي» از «جهان ديگري» هستند كه در آن اطلاعات مدفون و «محكوم به فراموشي» است. هنگامي كه آنها را ديجيتالي نموده و از طريق وب در قالب الكترونيكي دسترس پذير نماييم، اطلاعات را «حياتي مجدد» بخشيده ايم. آنها كه چنين ابتكاري به خرج مي دهند، مانند گوگل به منزله يك مصداق معروف، جديد و بحث برانگيز، اين كار را انجام مي دهند تا همانگونه كه يوهان فروبن پنج قرن پيش مي گويد، هيچ فرصت مغتنمي از دست نرود. البته، اين بدان معنا نيست كه نه گوگل و نه فروبن پنج قرن پيش از گوگل، علاقه اي به كسب پول بيشتر نداشته‌اند.

خواه نا خواه، واضح است كه تاريخچه چاپ مستقيماً با ظهور كاپيتاليسم در قرن شانزدهم و بيشتر از آن با گسترش نهضت انسان دوستي و عشق به فرهنگ ارتباط داشت. لوسين فور و هانري‌ ـ ژان مارتن در كتاب «ظهور كتاب» بيان داشته اند كه ناشران قرن شانزدهم تنها بر كتابهايي سرمايه گذاري مي كردند كه نسبت به بازگشت سرمايه خود از آنها اطمينان داشتند و اين در نهايت به انتخاب محتاطانه متون منجر مي‌شد. به نظر مي‌رسد امروزه نيز چندان تفاوتي به وجود نيامده باشد ( به جز اينكه احتمالاً بئاتوس رنانوس اگر هم اكنون زنده بود علاقه اي به كار براي گوگل نداشت و يا به احتمال گوگل مانند فروبن تمايلي به دعوت كاربران خود به «احساس دين تمام كمال به كتابخانه دانشگاه استنفورد» ندارد).

در قرن شانزدهم، چاپ و نشر تنها در مناطق و شهرهاي ثروتمند و قدرتمند از نظر سياسي، امكان گسترش و توسعه داشت. اين مكانها نسبت به سايرين شانس بيشتري براي انتخاب اطلاعات مورد نظر جهت تبديل به محمل جديد و تصميم‌گيري درباب چيستي داده‌هايي كه دسترس پذير خواهند شد داشته و مي‌توانستند ايده‌هاي خود را القا نمايند. پنج قرن بعد، اين اصلي‌ترين مسئله بحث برانگيز در مورد گوگل پرينت است. اقليتهاي فرهنگي فاقد قدرت سياسي و اقتصادي، به سختي مي‌توانند در فرايند اين انتخاب اطلاعات شركت نمايند. منظور من از «اقليتهاي فرهنگي» اروپا و يا در ديدي خردتر، فرانسه‌ ـ جاييكه بحث گوگل پرينت بالاگرفت‌ـ نيست، بلكه منظور اقليتهاي فرهنگي داخل اروپا و يا حتي داخل فرانسه و ساير نقاط جهان است: سامي هاي فنلاند، ساكنان نروژ و سوئد، بريتانيها، كرواتها، كريولهاي اهل فرانسه، باسكهاي فرانسه و اسپانيا، مائوريهاي نيوزيلند و.... چرا بايد رويكرد «آنگلوساكسوني» گوگل پرينت در انتخاب، بهتر از انتخابي در سطح اروپايي و يا حتي ملي باشد؟ البته شخصاً به عنوان يكي از اعضاي اين اقليتهاي فرهنگي، در فرانسه، با روال انتخاب روشنفكرانه گوگل پرينت موافقترم تا انتخابهاي راديكالي كتابخانه ديجيتالي گاليكا وابسته به كتابخانه ملي فرانسه....

انتخاب اطلاعاتي كه بايد در قالب فناوري جديد در آيند، يكي از مهمترين جنبه‌هاي سازماندهي اطلاعات بوده و كتابخانه‌ها در آن نقشي همانند نقش انسان گرايان قرن شانزدهم دارند. به عبارت ديگر، همانند همكاري بئاتوس رنانوس با فروبن، كتابخانه‌ها به منزلة يك عامل توصيه كننده عمل مي‌كنند.

2ـ1ـ2. تنظيم فيزيكي محملهاي اطلاعاتي

اطلاعات موجود در مدارك مستقيماً توسط كتابداران به صورت فيزيكي در مجموعه كتابخانه براي كاربران نهايي نظم دهي مي‌شوند. اين هدف به واسطة شماره‌هاي بازيابي كه برمبناي طرحهايي چون رده‌بندي دهدهي ديويي انتخاب مي‌شوند، تحقق مي‌يابد. اين فعاليت در واقع با رده‌بندي كه بخشي از فرايند خلق اطلاعاتي درباره مجموعه كتابخانه و اطلاعات موجود در آن است، ارتباط پيدا مي كند.

2ـ2. اطلاعاتي كه توسط كتابخانه‌ها درباره خود اطلاعات و محملهاي آن تهيه مي‌شود

كتابداران، اين نوع از اطلاعات را از طريق فهرستنويسي، كه اصلي ترين موضوع اين مقاله است، سازماندهي مي نمايند.

3. «سازماندهي» اطلاعات در كتابخانه‌ها؟

در اين بخش «سازماندهي اطلاعات در كتابخانه‌ها» را به منزله «سازماندهي اطلاعات كتابشناختي» قلمداد خواهيم كرد. ملاكهاي سازماندهي اطلاعات كتابشناختي بسيار زياد است. اما الين سونونيوس در «زيربناي فكري سازماندهي اطلاعات» به روشني دليل تعمد در توجه به «اثر» به منزلة يك ملاك اصلي را توضيح مي‌دهد:

«هر مجموعه‌اي از ويژگيها، قابليت ايجاد دسته‌هاي متفاوتي از مدارك حاوي اطلاعات را دارا هستند، مثلاً اندازه يكسان، رنگ يكسان، موضوع يكسان و يا داشتن پديدآور مشترك. با وجود اين، مهمترين ويژگي براي نظامي كه در پي سازماندهي اطلاعات است، «شمول بر يك اثر» مي‌باشد. هيچ يك از ساير ويژگيها از نظر قابليت گردهم آوري آثار، قدرت اين ويژگي را ندارند؛ زيرا مداركي كه در اين ويژگي مشترك هستند، در واقع حاوي اطلاعاتي يكسان مي باشند. چنانچه سازماندهي اطلاعات هيچ معناي ديگري نداشته باشد، حداقل به معناي گردهم آوردن كليه اطلاعات مشابه خواهد بود».

در جاي ديگري از همان كتاب وي مي افزايد: «اثر، گروه يا خانواده اي از مدارك است كه در آن هر مدرك در اصل شامل همان اطلاعات و يا محتواي فكري و هنري اوليه است». ايجاد گروههاي آثار، كار اصلي سازماندهي اطلاعات خواهد بود.

سونونيوس بيان مي دارد «اگرچه، موضوع از نظر اهميت در سازماندهي مدارك و ايجاد دسترسي به آنها، رقيب پديدآور محسوب مي‌شود، [...] استفاده از جستجوهاي موضوعي افزايش چشمگيري داشته است، به اندازه‌اي كه امروزه، توجه به اهميت روز افزون سازماندهي اطلاعات با كمك موضوع، به منزلة تغييري در پارادايم غالب مطرح شده است.

از گفته هاي سونونيوس چنين بر مي آيد كه «ديدگاه سنتي كتابخانه‌اي» در باب سازماندهي اطلاعات خود عاملي محدود كننده است. ما به عنوان كتابدار، خود را به سازماندهي بر محور اثر (آثار از طريق نام پديدآور و عنوان شناسايي مي‌شوند) و موضوع، محدود ساخته‌ايم. آثار در رديف اول و بعد ويرايشها و نسخه ها، پديدآورندگان و موضوعات سه گروه از موجوديتهايي است كه در مدل ملزومات كاركردي پيشينه‌‌هاي كتابشناختي تبيين گرديده اند. ملزومات كاركردي پيشينه‌‌هاي كتابشناختي در واقع نشانگر ديد محدود ما نسبت به سازماندهي اطلاعات كتابشناختي است.

توصيف كاملي از بحث ملزومات كاركردي پيشينه‌‌هاي كتابشناختي ارائه نخواهم داد، زيرا اطمينان دارم باربارا تيلت در صحبتهاي خود اين كار را خواهد كرد. علاوه بر اين، در نظر ندارم كه اين مدل را مورد نقد و بررسي قرار دهم. هدف، تأكيد بر اين مسئله است كه ديدگاه كتابخانه‌اي نسبت به سازماندهي اطلاعات از دو جنبه بسيار محدود است: 1) شامل مواردي كه شرايط سازماندهي بر مبناي اثر را ندارند، نمي‌شود. 2) زماني كه اطلاعات را بر مبناي اثر سازماندهي نمود، توقف كرده و از آن مرحله فراتر نمي‌رود، كه اين مي‌تواند مشكل ساز باشد.

در اين جا برخي مثالها براي پشتيباني از چنين ادعاي بحث برانگيزي ارائه مي‌شود.

3ـ1. پديدآورندگاني كه در چارچوب ملزومات كاركردي پيشينه‌‌هاي كتابشناختي نمي‌گنجند

ماهيت نقش برخي پديدآورندگان و يا ماهيت اثر آنها، قرار دادن آنها و پيشينه‌‌هاي كتابشناختي مرتبط با آنها را در چارچوب مدل ملزومات كاركردي پيشينه‌‌هاي كتابشناختي مشكل مي سازد. به طور كلي، وضعيت اين پديدآورندگان به گونه اي است كه براي سازماندهي اطلاعات كتابشناختي آثار آنها، توجه صرف به گروه‌بنديهاي سنتي آثار يا موضوعات، نامطلوب خواهد بود.

3ـ1ـ1. پديدآورندگاني با ماهيت سياسي و يا قانون‌گذار

رويكرد سنتي و محدود ما به سازماندهي اطلاعات، در مورد پديدآورندگان داراي ماهيت سياسي و يا قانونگذار مناسب نيست. به عنوان مثال، چنانچه "Roosevelt, Franklin D., 1882 – 1945" را در فهرست كتابخانه كنگره مورد جستجو قرار دهيد، 294 بازيافت خواهيد داشت و در صورتي كه تحت سرشناسه تنالگاني "United states . President (1933 – 1945: Roosevelt)" جستجوي خود را انجام دهيد، 209 مدرك بازيابي خواهد شد. مسلماً ميان اين بازيافتها همپوشاني وجود خواهد داشت، اما در نهايت تقريباً 500 پيشينه مجزا به ترتيب الفبايي عنوان بازيابي خواهيد نمود. كاربران نهايي قادر به حصول نتيجه مطلوب از ميان 500 بازيافت نخواهند بود. عملكرد «كنترل كتابشناختي» كه آن‌قدر به آن مي باليم، در اين مورد درست همانند «هرج و مرج درگوگل» است. گفته مي‌شود با استفاده از مدل ملزومات كاركردي پيشينه‌‌هاي كتابشناختي مي‌توان حجم اين بازيافتها را از طريق معرفي آثار در ابتدا و سپس قالبهاي مختلف هر اثر محدود ساخت. استفاده از اين روش در چنين حالتي به نظر مفيد مي‌رسد، اما چنانچه بازيافتهاي حاصل از جستجوي هر يك از هويتهاي كتابشناختي روزولت را مرور نماييد، به سرعت در مي يابيد كه هر قالب به يك اثر خاص اشاره دارد و در حوزه سياست چنين امري عادي است. كمتر پيش مي آيد كه از يك اثر، برداشتها و قالبهاي متفاوتي تهيه شود. استفاده از مدل ملزومات كاركردي پيشينه‌‌هاي كتابشناختي، در اينجا مفيد فايده نخواهد بود. فهرست همگاني پيوسته كتابخانه كنگره، محدودسازي جستجو را با كمك تاريخ، زبان، نوع، مكان و محل نشر امكان پذير ساخته است، اما از ميان كليه اين ملاكها، تنها مي‌توان ملاك «تاريخ» را تا حدودي براي سازماندهي اطلاعات ارزشمند دانست، زيرا از نظر زماني، امكان ارتباط دادن برخي وقايع به دوره زندگي و كار روزولت را براي كاربران نهايي فراهم مي سازد.

و اما مثالي ديگر. چنانچه در فهرست كتابخانه ملي فرانسه به جستجوي آثار لويي چهاردهم بپردازيد، كمتر از 1029 مورد بازيافت نخواهيد داشت. بار ديگر، كاربر نهايي توانايي استفاده از چنين بازيافت عظيمي را نخواهد داشت و با نگاهي سطحي به نتايج بازيابي شده، مي‌توان نتيجه گرفت كه استفاده از مدل ملزومات كاركردي پيشينه‌‌هاي كتابشناختي نيز توانايي كاهش موارد بازيابي شده را ندارد، زيرا هر مدرك توصيف شده مرتبط با يك اثر خاص است. به صورت پيش فرض، پيشينه ها براساس الفبايي عنوان نمايش داده مي‌شوند. فهرست رايانه اي كتابخانه ملي فرانسه، امكان تركيب جستجوي پديدآور با واژه هاي عنوان را فراهم مي سازد، اما واژه هاي عنوان مهار شده نيستند. مي‌توانيد جستجوي خود را در مورد لويي چهاردهم به عنوان پديدآور با جستجوي موضوعي تركيب كنيد؛ اما متأسفانه، بسياري از پيشينه‌‌هاي مرتبط با لويي چهاردهم، سرعنوان موضوعي ندارند. فهرست مذكور، مرتب سازي بازيافتها از نظر نوع، پديدآور، عنوان، تاريخ، زبان و كشور محل نشر را ميسر مي‌سازد. بار ديگر بجز در مورد تاريخ، ساير ملاكها معضل سازماندهي اطلاعات در اين مورد را حل نمي‌كنند.

آنچه فقدانش احساس مي‌شود، تركيبي از سازماندهي بر مبناي پديدآور و موضوع است. بنابراين، تمركز سنتي بر سازماندهي مبتني بر اثر، كاملاً بي ربط به نظر مي‌رسد. هنگامي كه در پي مدارك مرتبط با فرانكلين دي. روزولت و يا لويي چهاردهم هستيم، فهرستهاي كتابخانه‌اي نبايد فهرستي سازمان يافته از آثار (يا «عنوانهاي اصلي» و «عنوانهاي فرعي نامرتبط») ارائه دهند، بلكه بايد فهرستي با نظم اوليه موضوعات عام و يا عباراتي مربوط به حوزه هاي سياسي (اعم از ديپلماسي، سياست اقتصادي و...)، و سپس با نظم ثانويه آثار ارائه نمايند. در چنين حالتي، «نابساماني كلان» را به «خرده نابساماني» تقسيم‌بندي كرده‌ايم.

3ـ1ـ2. پديدآورندگاني كه آثار آنها اجازه استفاده از مدل ملزومات كاركردي پيشينه‌هاي كتابشناختي را نمي‌دهد

حتي در ميان پديدآورندگان آثار ادبي نيز مواردي وجود دارند كه نسبت به راهبردهاي ملزومات كاركردي پيشينه‌هاي كتابشناختي و حتي فراتر از آن، به محدوديتهاي سازماندهي اطلاعات نيز مقاومت نشان مي‌دهند. در اين جا فرصتي براي پرداختن به جزئيات «مشكلات فهرستنويسي آثار اميلي ديكينسون » ندارم. تنها به اين نكته بسنده مي‌نمايم كه از 254 پيشينه كتابشناختي بازيابي شده در فهرست كتابخانه كنگره تحت مدخل "Dickinson, Emily, 1830 – 1886" بيش از 200 مورد توصيفگر قالبهاي مختلفي هستند كه هريك با اثري خاص ارتباط دارند. به عنوان مثال، شعرهاي بسيار كوتاه ديكينسون (آن‌قدر كوتاه كه فهرستنويسان نمي‌توانند تك تك آنها را به صورت جداگانه مد نظر قرار دهند)، همواره در قالب مجموعه‌هايي متفاوت توسط مترجمان و يا گردآورندگان مختلف گردآوري مي‌شوند. بنابراين، در چنين وضعيتي استفاده از مدل ملزومات كاركردي پيشينه‌‌هاي كتابشناختي كمتر مي‌تواند به كاهش تعداد پيشينه‌هاي بازيابي شده كمك نمايد. قابليتهاي مرتب سازي در فهرست همگاني پيوسته كتابخانه كنگره اعم از عنوان كامل، پديدآور اصلي و تاريخ (به ترتيب از كم به زياد و يا از زياد به كم) به كاربران امكان بهره برداري مطلوب از چنين فهرست بلند و بالايي را نمي‌دهد. به نظر من، مرتب سازي نتايج از نظر نوع (اعم از اشعار، نامه ها، آثار برگرفته) و در هر يك از انواع براساس نام گردآورنده و يا مترجم، جريان سازماندهي اطلاعات را بهبود خواهد بخشيد.

در فهرست كتابخانه ملي فرانسه، 6735 پيشينه كتابشناختي در ارتباط با ولتر وجود دارد. اين 6735 پيشينه به ترتيب الفبايي عنوان و يا بنابر خواست و نياز كاربر براساس تاريخ، زبان، محل نشر، پديدآور اصلي، نوع، و يا كد رابط قابل مرتب سازي بوده و با استفاده از همين معيارها مي‌توان نتايج را محدود نمود. بايد راه‌حلهاي بهتري براي سازماندهي اين اطلاعات وجود داشته باشد؛ اگرچه در حال حاضر نمي‌توانم راه‌حلي عملي ارائه نمايم. فهرستهاي چاپي قرن نوزدهم در سازماندهي آثار پديدآورندگاني چون ولتر، از فهرست همگاني پيوسته كتابخانه ملي فرانسه در وضعيت كنوني هوشمندانه‌تر عمل مي‌كردند.

3ـ2. ناشران

فهرستهاي كتابخانه‌اي به كاربران نهايي اجازه جستجو از طريق نام ناشر را نمي‌دهند. اما در مواردي كه اين امكان وجود دارد، چگونه بايد فهرست پيشينه‌‌هاي بازيابي شده را نظم داد؟ آيا با توجه به تصور سنتي خود از سازماندهي اطلاعات، بايد نظم را براساس سرشناسه‌هاي پديدآور/ عنوان كه نشان دهنده آثار هستند برقرار ساخت؟ يا براساس تاريخ؟ يا براساس شماره هاي استاندارد بين المللي كتاب جهت مشخص ساختن ترتيب و توالي انتشار مدارك كه به نظر مؤثرتر از تنظيم موارد بازيابي شده براساس الفبايي نام پديدآورنده است. يا شايد بايد انتخاب را بر عهدة كاربر نهايي گذاشت؟ پاسخ قطعي براي اين مسئله ندارم.

3ـ3. موضوعات بسيار عام

چنانچه جستجويي تحت مدخل «علوم رايانه» در فهرست كتابخانه كنگره انجام دهيد، 242 پيشينه بازيابي خواهد شد. اين پيشينه ها براساس سرشناسه (اعم از پديدآور يا عنوان) مرتب شده اند و اين امكان براي كاربران نهايي وجود دارد كه پيشينه‌‌هاي بازيابي شده را براساس عنوان و يا تاريخ مرتب نمايند. از اين بهتر چگونه مي‌توانيم به كاربرانمان خدمت كنيم؟ اما آيا واقعاً سرعنوانهاي موضوعي مورد استفاده بسيار عام نبوده اند؟ مجدداً پاسخي براي آن ندارم.

3ـ4. محدوديتهاي استفاده از مدل ملزومات كاركردي پيشينه‌‌هاي كتابشناختي

پايگاه داستان‌‌ياب نمونه اي موفق از به كارگيري مدل ملزومات كاركردي پيشينه‌‌هاي كتابشناختي است و من واقعا يكي از طرفداران اين نظام هستم. اما از بابت برخي محدوديتهاي آن نگرانم؛ محدوديتهايي كه ربطي به نقايص مفهومي مدل ندارند بلكه در واقع به ماهيت داده‌هاي موجود در نظام مربوط مي‌شوند. «فيكشن فايندر» اطلاعات كتابشناختي را ابتدا براساس مدل ملزومات كاركردي پيشينه‌‌هاي كتابشناختي و رويكرد سنتي سازماندهي اطلاعات، در قالب آثار و سپس در مجموعه هاي مربوط به قالبهاي متفاوت انتشار براساس ويژگي زبان هر برداشت خاص، سازماندهي مي نمايد. پس از آن، مجموعه هاي مذكور بر مبناي تعداد كتابخانه‌هاي عضو شبكه OCLC كه حداقل يك نسخه از آثار مربوط را دارند، تنظيم مي‌شوند. به عنوان مثال، از اثر «آليس در سرزمين عجايب» دراين پايگاه 1595 مدرك وجود دارد كه 966 مورد از آنها به زبان انگليسي است. به نظر من دقيقاً 966 نسخه وجود دارد كه كاربران انگليسي زبان احتمالاً علاقه‌مندند آنها را سازماندهي شده ببينند. نمي‌توان بيان داشت كه براي اين موارد هيچ گونه نظمي در فيكشن فايندر در نظر گرفته نشده است، آنها براساس تعداد نسخه هاي موجود در كتابخانه‌هاي عضو شبكه ورلد كت تنظيم شده اند. اولين مدرك به نمايش در آمده در فهرست بازيافتها، در سال 1960 منتشر شده كه نه مربوط به زمان لويس كارول است و نه زمان ما، اما چون 1721 كتابخانه حداقل يك نسخه از آن را نگهداري مي‌كنند، رتبه اول را كسب كرده است. چگونه مي‌توان اين 966 بازيافت را به گونه اي مفيد براي كاربران نهايي سازماندهي نمود. آيا عنوانهاي قراردادي همانگونه كه احتمالاً در قوانين آتي فهرست نويسي RDA نيز مطرح خواهد شد، مفيد خواهند بود؟ اميدوارم، اما همچنان شك دارم و نمي دانم دقيقاً چگونه مي‌توان با چنين مشكلي كنار آمد. حجم عظيم اطلاعاتي كه بايد سازماندهي نمود، سازماندهي تمام آن را عملاً بسيار مشكل مي سازد و البته 966 ويرايش مختلف در مقابل تمام اطلاعات، رقم بسيار كوچكي است....

4. سازماندهي تمام اطلاعات در كتابخانه‌ها؟

و دقيقاً كلمه كوتاه و غلط انداز «تمام» عنصري بسيار مهم در سؤالي بود كه از من شد. منظور از «تمام اطلاعات» در چارچوب كتابخانه چيست؟

مجدداً با ابهامي اساسي سروكار داريم. منظور از «تمام اطلاعات كتابشناختي» اطلاعات مربوط به تمام انتشارات است و يا تمام اطلاعات مربوط به انتشارات؟

4ـ1. اطلاعات درباره تمام انتشارات

اولين برداشت از اين سؤال مجدداً به بحث انتخاب باز مي‌گردد. آيا اطلاعات مربوط به هرآنچه را كه وجود دارد (و يا حداقل تمام آنچه در مجموعه كتابخانه وجود دارد) بايد سازماندهي نمود (آيا اين كار براي ما مطلوب است و يا اصولاً قادر به انجام آن هستيم؟) به عبارت ديگر، آيا اجازه سازماندهي نكردن اطلاعات مربوط به برخي موارد خاص را داريم؟

مثالي معروف در اين زمينه وجود دارد، «كنراد گسنر» در كتاب خود «كتابخانه جهاني» كه نشست حاضر نيز وامدار آن است، دست به انتخاب زده است. با وجود استفاده از واژه «جهاني» در عنوان كتاب، وي بيشتر آثار لاتيني، يوناني و عبري را مورد توجه خود قرار داده است.

امروزه، حتي كتابخانه‌هاي ملي كه مسؤوليت تهيه كتابشناسيهاي ملي را بر مبناي حجم عظيمي از واسپاريهاي قانوني دارند نيز دست به انتخاب مي زنند. آنها الزاماً اطلاعات مربوط به تمام مداركي را كه از طريق واسپاري قانوني دريافت مي‌كنند، در كتابشناسيهاي ملي وارد نمي‌كنند. به عنوان مثال كتابخانه كنگره كتابهاي درسي آموزشگاهي را فهرستنويسي نمي كند؛ كتابشناسي ملي فرانسه بازيهاي ويدئويي را فهرستنويسي مي كند اما بازيهايي با وسايل قديمي تر را فهرست نمي نمايد.

اين مسئله در مورد وب بيشتر صادق است. كتابخانه‌ها با وب همانند كتابها، لوحهاي فشرده و يا دي. DVD ها برخورد نمي‌كنند، اما در هر حال، گاه دست به فهرستنويسي آن مي زنند. با وجود اين، تمام منتقدان بر اين مسئله اتفاق نظر دارند كه كتابخانه‌ها نمي‌توانند تمام وب و يا حتي بخش عمده‌اي از آن را فهرستنويسي كنند. اين مسئله حتي در مورد كشورهايي كه قانون واسپاري وب ملي دارند نيز صادق است. مسلم است، با بخش ملي وب جهاني، نمي‌توان با كمك همان روشهاي سابق و با همان ميزان جامعيت مورد استفاده در سازماندهي ساير مدارك واسپاري شده برخورد نمود.

4ـ2. تمام اطلاعات در مورد انتشارات

عبارتهاي توصيفي متعددي را مي‌توان درباره هر مدرك ساخت، اما باز هم به خاطر برخي دلايل بديهي، بايد تعداد معدودي از اين عبارتها را مورد استفاده قرار داد. همانگونه كه سونونيوس بيان مي دارد:

«به صورت بالقوه، هر ويژگي و يا پاره اي از ويژگيها را مي‌توان به منزلة توصيفي جهت ايجاد مجموعه هاي مختلف مورد استفاده قرارداد؛ مجموعه هايي كه بالقوه مورد علاقه كاربران هستند نيز بسيار متعدند. البته، از اين ميان پنج مورد بيش از ساير موارد مورد علاقه كاربران مي باشند كه مشخصاً با هدف گردهم‌آوري پيوند مي‌يابند:

• مجموعه تمام مداركي كه اساس اطلاعاتي يكساني دارند (اثر)

• مجموعه تمام مداركي كه اطلاعات يكساني را در بر مي گيرند (ويرايش)

• مجموعه تمام مداركي كه از يك ريشه گرفته شده اند (اثر مادر)

• مجموعه تمام مدارك از يك پديدآور

• مجموعه تمام مدارك در يك حوزه موضوعي خاص.

معمولاً آن دسته از عناصر اطلاعاتي كه قابليت سازماندهي مدارك در قالب مجموعه هايي با هدف گردهم آوري را ندارند و يا نمي‌توانند در راستاي فلسفه وجودي فهرست كتابخانه عمل كنند، ناديده گرفته مي‌شوند. اين اصل كفايت و ضرورت است كه توسط سونونيوس بدين گونه تعريف مي‌شود: «توصيفها بايد براي رسيدن به هدفهاي از پيش تعيين شده كافي بوده و نبايد شامل عناصر غير لازم شوند».

بنابراين، موارد زير، مجموعه‌اي از عناصر اطلاعاتي هستند كه احتمالاً برخي از كاربران به خواندن و يا بازيابي آنها علاقه مندند، اما هرگز نمي‌توانند آنها را در فهرست بيابند: « اين كتاب بسيار خسته كننده است»، «سه آهنگ موجود در اين لوح فشرده، جزء موسيقي‌هاي مناسب بعدازظهر به شمار مي‌آيند»، «در اين فيلم برخي از گفته هاي شكسپير نقل شده است» ، «مرد داخل اين نقاشي، كمي شبيه به يك مومين است» و.... انتظار ندارم فهرستنويسان در پي تهيه پيشينه‌‌هايي با اطلاعاتي از اين دست باشند (بخصوص نمونه‌هاي اول و چهارم)، بلكه منظور من تنها تأكيد بر اين نكته است كه ما دانسته بسياري از عناصر اطلاعاتي را ناديده مي گيريم. برخي از اين عناصر اطلاعاتي ممكن است به نظر بي‌اهميت بيايند، اما پاره‌اي از آنها نيز مي‌توانند براي محققان اهميت فوق‌العاده‌اي داشته باشند. امكان‌پذير بودن يا نبودن سازماندهي تمام اطلاعات، مسئله ديگري است. نكته اساسي اين است كه تمام اطلاعات ثبت نمي‌شود، و از اين رو، مسلماً نيازي به سازماندهي آنها نيز وجود نخواهد داشت.

5. از ديدگاه كتابخانه‌اي، سازماندهي تمام اطلاعات «امكان‌پذير» است؟

در اين جا به پرسش به صورت كامل پاسخ خواهم داد...

لفظ «امكان‌پذير» در اين پرسش ابهام انگيز است. آيا منظور از آن تنها جنبه‌هاي فني يا به عبارتي امكان انجام سازماندهي جامع اطلاعاتي به صورت فني است يا برداشت ما بايد شامل مسائل ضمني ديگري نيز باشد. به عنوان مثال: «آيا سازماندهي تمام اطلاعات موجود امكان پذير و مطلوب است؟» مطلوبيت سازماندهي جامع اطلاعات، پرسشي كاملاً متفاوت است، اگرچه به نظر من مطلوبيت در پيوند مستقيم با قابليت اجراست و نبايد به صورت مجزا مد نظر قرار گيرد. با وجود اين، در اين جا به اين پرسش اصلاً پاسخي نمي‌دهم؛ زيرا جزئيات فلسفي آن ما را از بحث اصلي بسيار دور مي سازد. اما با وجود احتمال اين كه مجدداً به صورت يك منفي باف فرانسوي به نظر بيايم، فكر مي كنم، سازماندهي تمام اطلاعات مطلوب نباشد، اما در اين مورد بحث نمي كنم.

تا آنجا كه به قابليت اجرا از نظر فني مربوط مي‌شود، اين پرسش به سه پرسش ديگر منتهي مي‌شود: چه كسي اين اطلاعات را سازماندهي مي‌كند؟ اين اطلاعات چگونه سازماندهي مي‌شوند؟ و اين نظم چگونه به نمايش در مي آيد؟

5ـ1. چه كسي اين اطلاعات را سازماندهي خواهد كرد؟

با توجه به محدوديتهاي اقتصادي، مسلم است كه كاركنان كتابخانه‌ها در هيچ كجاي دنيا براي "سازماندهي تمام اطلاعات (آنالوگ يا ديجيتال)" كافي نيستند. آيا فهرستنويسي مبتني بر برون‌‌سپاري (قراردادي) راه حلي براي اين مشكل است؟ شخصاً تصور نمي كنم فهرستنويسي قراردادي، تمام مشكلات، بخصوص مشكل فهرستنويسي را حل كند.

5ـ1ـ1. غني سازي محتوا با استفاده از منابع خارجي

برخي از كتابخانه‌ها پيشتر از اين به فكر غني سازي پيشينه‌‌هاي كتابشناختي با استفاده از منابع خارجي افتاده اند. اين مسئله بخصوص يكي از نقشهاي اصلي گروه مشاور غني‌سازي كتابشناختي وابسته به كتابخانه كنگره آمريكاست. پروژه BEAT شامل برقراري پيوند ميان پيشينه‌‌هاي كتابشناختي و فهرست مندرجات كتابها در سطح وب، استفاده از داده‌هاي كتابشناختي ناشران در قالب ONIX، برقراري پيوند ميان متون نمونه و تصوير روكشهاي كتاب و سرگذشتنامه پديدآور كه توسط ناشر نيز در قالب ONIX ارائه مي‌شوند؛ اضافه كردن چكيده، گزارمان و نقد و بررسي از منابع مختلف و... مي‌باشد.

برخي از فروشندگان نيز تاكنون چنين خدماتي را با نام «غني‌سازي محتوا» ارائه كرده‌اند.

تمام اين ابتكارها، بدون توجه به ميزان بديع و هيجان‌انگيز بودن آنها، بر مبناي همكاري با توليدكنندگان اطلاعات (ناشران)، ديگر مؤسسه‌ها و يا ارائه‌كنندگان مشهور خدمات اطلاعاتي، صورت مي پذيرد. رويكرد جسورانه و انقلابي‌تر در اين امر، همكاري مستقيم با كاربر نهايي خواهد بود.

5ـ1ـ2. ويكي سايت

به عنوان نمونه، برخي از اعضاي جامعه ويكي پديا، درصدد اجراي پروژه اي به نام «ويكي سايت» هستند و آن را بدين صورت تشريح مي‌كنند: " پروژه ويكي سايت در پي ايجاد يك فهرست برگه اي به صورت پيوسته با يك مدخل براي هر كتاب يا هر مقاله موجود است. [...] هر صفحه، شامل مجموعه اي از استنادهاي رسمي و بخشي مجزا براي ارائه خلاصه كتاب و گزارمانهاي مربوط به آن، خواهد بود. [...] هدف از اين كار، راغب ساختن افراد نسبت به خريد كتاب نيست؛ بلكه اطلاعات كافي به منظور تشخيص و شناسايي محتواي كتاب را در اختيار افراد قرار مي‌دهد و به مرور زمان ميزان اعتبار اثر در جامعه استفاده‌كنندگان را تبيين مي نمايد. يكي از موارد مطرح شده در فهرست «كارهاي در دست اقدام» آنها عبارت است از: «تشكيل جامعه ويكي سايت». ويكي سايت گسترشي براي كتابخانه‌هاست، زيرا منبعي خارجي و ارزشمند براي آنها به شمار خواهد آمد. روابط كتابشناختي يكي از ويژگيهاي مهم اين پروژه است، زيرا هدف آن ايجاد «فهرستبرگه‌اي است كه به كاربر در شناسايي اثر و برقراري ارتباط آن با ساير آثار كمك كرده و مي‌تواند شامل آخرين ويرايشها، كتابشناسي ها و حاشيه هاي متني باشد. در اين صورت، فهرستبرگه به جاي داده‌هاي كهنه، همواره داده‌هايي پويا و نو خواهد داشت». به نظر من، زماني كه «ويكي سايت» ايجاد شود، احتمالاً يكي از مهمترين منابع جهت «غني‌سازي محتواي» فهرستهاي كتابخانه‌اي به شمار خواهد آمد. نكته جالب توجه آن است كه به نظر مي‌رسد مسئولان اين پروژه در پي استفاده از داده‌هاي مارك هستند . مشكل فني ما آن است كه چگونه پيوندهايي مناسب ميان فهرستهاي خود با چنين منبع غني از اطلاعات برقرار نماييم (البته اگر اصولاً چنين كاري را مناسب بدانيم). مسلماً برقراري پيوند به صورت دستي امكان‌پذير نيست و بايد براي اين امر راهكارهايي خودكار با استفاده از شناساگرهايي چون ISBN و ISSN انديشيده شود.

5ـ1ـ3. رده‌بنديهاي عاميانه

يكي ديگر از رويكردهاي جديد و جالب در حوزه سازماندهي اطلاعات كتابشناختي، توسط غيرمتخصصان، «رده‌بنديهاي عاميانه» يا غير تخصصي نام دارد. اين رده‌بنديها مجموعه هايي از اصطلاحات كنترل نشده و بدون سلسله مراتب براي حوزه هاي موضوعي مختلف هستند كه مي‌توان منابع ديجيتالي در يك محيط مشترك را با كمك آنها رده بندي كرد. همانگونه كه «آدام متز» بيان مي دارد، «يك رده‌بندي عاميانه، به طور همزمان جنبه‌هاي مثبت و منفي زيادي در سازماندهي اطلاعات دارد. ماهيت كنترل نشده آن، به آشفتگي منجر شده و با مشكلاتي از قبيل دقت كم و ابهام دست به گريبان است؛ مسئله‌اي كه واژگان كنترل شده و مستند نامهاي مشاهير به خوبي از پس آن بر مي آيند. [...] اين در حالي است كه [رده‌بنديهاي عاميانه] توانايي پاسخگويي به نيازها و واژه هاي مورد استفاده كاربران را داشته و كاربران را فعالانه در نظام سازماندهي اطلاعات شركت مي دهند». «مانوئله كوئنتارلي » در ميان ساير مزاياي رده‌بنديهاي عاميانه، نسبت به نمايه‌سازي سنتي و طرحهاي رده‌بندي سنتي، بيان مي دارد: «در اكثر موارد، زماني كه برچسب گذاري [يا به عبارتي استفاده از رده‌بنديهاي عاميانه] امكان پذير است، استفاده از واژگان كنترل شده از نظر اقتصادي و عملي، مقرون به صرفه خواهد بود. تهيه، نگهداري تقويت واژگان كنترل شده مناسب، معمولاً بسيار هزينه بر بوده و مستلزم درك بالاي كاربر نظام از طرح رده بندي است». البته، يكي از نارساييهاي رده‌بنديهاي عاميانه، مشكل دسترسي چند زبانه است ـ اما اين مشكل در مورد فهرستهاي موضوعي كنوني هم صادق مي‌باشد.

در هر صورت، تهيه كنندگان رده‌بنديهاي عاميانه، در پي جايگزين نمودن آنها به جاي ابزارهاي سنتي نيستند، بلكه در پي فراهم ساختن امكان استفاده مشترك از تمامي اين ابزارها مي‌باشند. امانوئله كوئنتارلي تا آنجا پيش مي‌رود كه مي گويد: «تنها كاري كه بايد انجام داد، ادغام و تغيير ابزارهاي سنتي در جهت بهبود قابليت بازيابي است. جايي بينابين اين دو مدل، چارچوبي مستحكم تر براي شناسايي، به اشتراك‌گذاري و يافتن اطلاعات خواهد بود». وي در نهايت به اين نتيجه مي‌رسد كه: «ساختارهاي سلسله مراتبي قديمي را نمي‌توان با برچسبها [يا به عبارت ديگر رده‌بنديهاي عاميانه] جايگزين نمود، اما به واسطه برچسب گذاري روشهاي جديدي براي رده بندي به وجود آمده و عملكردهاي جديدي به منظور سازماندهي و اشتراك دانش خواهيم داشت».

اما دوباره مسئله اينجاست كه «اگر فرض كنيم اين كار ارزش انجام دادن را دارد ، چگونه مي‌توانيم از رده‌بنديهاي عاميانه در فهرستهاي خود استفاده كنيم؟ آيا بايد آنها را خارج از فهرست در نظر گرفت و با آنها پيوند برقرار نمود؟ آيا بايد دو نوع دسترسي موضوعي را براي فهرست خود در نظر بگيريم؛ يك دسترسي به صورت كنترل شده كه توسط فهرستنويسان متخصص موضوعي تهيه و ديگري به صورت كنترل نشده كه توسط كاربران كتابخانه فراهم شود؟ دامنه امكانات و گزينه هاي مختلف در اين زمينه بسيار گسترده است.

5ـ1ـ4. پايان يك «انحصار»

اگر كاربران‌ ـ افرادي كه منابع ما را مي خوانند، مي بينند، مطالعه مي‌كنند، به جزئيات آنها توجه كرده و تمامشان مي‌كنند ـ توانايي افزودن مطلبي مهم (و يا صحيح) را به توصيفهاي كتابشناختي ما دارند، چرا بايد اطلاعات برجسته آنها را از ديد ساير كاربران نهايي پنهان كرد؟ آيا بايد تا بدانجا پيش رفت كه از توصيه‌هايي مانند آنچه در سايت آمازون ديده مي‌شود، استفاده كرد؟ به عنوان مثال «نظر استفاده‌كنندگاني كه از اين مدرك استفاده كرده‌اند...». تصور مي كنم يكي از اساسي ترين تحولاتي كه در اين قرن شاهد آن خواهيم بود، علاوه بر ويكي سايت، ويكي پديا و رده‌بنديهاي عاميانه، پايان رويكرد انحصاري كتابداران نسبت به فهرستهاست. امروزه، اعتبار فهرستها به واسطة متخصصان سازمانهاي فهرستنويسي مشهور تضمين مي‌شود، اما در آينده هرچه ميزان دخالت افراد خارجي در گسترش فهرستهاي كتابخانه‌اي بيشتر شود، اعتبار بيشتري براي آنها متصور خواهد بود! اين تنها در حد يك برداشت مي‌باشد، اما به نظر من امكان‌پذير است. گرايش كنوني در كتابخانه‌ها به سمت كاهش هرچه بيشتر اطلاعات فهرستها به منظور افزايش كميت است كه بدون شك روند اين تحول را شدت خواهد بخشيد.

5ـ2. چگونه اين اطلاعات را سازماندهي نماييم؟

امروزه صحبت از اين كه كتابداران بايد به وب توجه بيشتري نشان دهند، امري عادي است. در نظر گرفتن وب به منزله بستر حاوي محتوا (به منظور توصيف تمام يا بخشهايي از آن و ذخيره سازي برخي نماهاي آن) به منزلة يك محيط (به منظور برقراري پيوند از آن و به آن) به منزلة فضايي عمومي جهت دسترس‌پذير ساختن فهرست و به منزلة منشائي براي تأثيرهاي فني تعاملي و مشترك، بخصوص در حوزه «وب معنايي» و هستي‌شناسي‌هاي واژگاني آن، همگي نشان از اين مهم مي باشند.

5ـ2ـ1. آشكار بودن در سطح وب

در مورد ارائه شدن فهرستهاي كتابخانه‌اي در سطح وب، بايد اختصاصاً به رويكرد نوين و جالب OCLC اشاره كرد. در اينجا فرصت براي تشريح «ورلد كت باز» و ساختار جستجوي مخصوص «بازيابي در يك كتابخانه» وجود ندارد. منظور من تنها اشاره به اين نكته است كه چنين ابزارهايي اهميت بسياري داشته و بدون ايجاد مشكل براي وب، فهرستهاي كتابخانه‌اي را از بخش پنهان وب به «وب عمومي» مي آورند. بايد به خاطر داشت كه استفاده از مدل ملزومات كاركردي پيشينه‌‌هاي كتابشناختي، در اين فرايند نقش مهمي را ايفا مي‌كند.

5ـ2ـ2. چه «رويكردي از وب»؟

راهكارهاي نوين جستجوي تحت وب، دو موقعيت متضاد را ميان افرادي كه دست اندر كار طراحي وب و يا استفاده از آن هستند، به وجود آورده است.

يكي از رويكردها، گرايش «به حال خود گذاشتن» است كه به عنوان نمونه، در يكي از مقالات اخير «پيتر مرهولز» مطرح مي‌شود: «تاريخچه استفاده از وب همواره صرف نظر نمودن از مسئله كنترل را اثبات نموده است. استفاده از نظرهاي مشتريان در سايت آمازون، از نظر كساني كه نقدهاي منفي را براي فروش مضر مي دانند، احمقانه است. در حالي كه اين نظرها، سطح اعتماد را بالا برده و تعامل را افزايش مي‌دهد.[...] آنچه وب مي‌آموزد آن است كه بايد آن را به حال خود رها كرد و كمترين ميزان كنترل لازم را بر آن اعمال نمود. [...] كاهش كنترل مطلوب به نظر نمي‌رسد، زيرا اطمينان را از بين مي‌برد [...] اما [...] بايد اقرار كرد كه مشتريان در چنين وضعيتي ابتكار عمل را در دست خواهند گرفت. آنها با كنترل تجربيات خود، راهكارهاي نامناسب‌تر را كنار مي‌گذارند. مسلماً اين مطلب از ديدگاهي كاملاً انتفاعي نقل گرديده است، و لفظ «كنترل» در اينجا دقيقاً منطبق بر «كنترل كتابشناختي» و يا «كنترل مستند» منطبق نيست. متأسفانه، برداشت برخي از مديران كتابخانه‌ها از «انگاره وب» به اين صورت تجلي مي يابد كه بايد زمان كمتري را روي كار مستندسازي صرف نمود (به عبارت ديگر به نظر آنها بايد زمان كمتري روي آن تلف كرد). همين مسئله دليل گرايش به جايگزين نمودن قالب ساده «دوبلين كور» به جاي فهرستنويسي كامل است.

از سوي ديگر، طراحان وب كه با مسئله «آشفتگي وب» روبرو هستند، تصور مي‌كنند با استفاده از فعاليتهاي كتابخانه‌اي كه در گذر زمان تثبيت شده اند، مي‌توانند در برابر اين مشكل به خوبي عمل كرده و يا حتي براي اين كار از ابزارهاي كتابخانه‌اي استفاده كنند. پيتر مرهولز حين بحث در باب رده‌بنديهاي عاميانه، بيان مي دارد: «چنانچه هيچ كس كنترل واژگان را برعهده نداشته باشد، كاربران از اصطلاحات متفاوتي براي مفاهيم يكسان استفاده خواهند كرد. [...] حتي احتمال بروز حالت معكوس اين مشكل نيز وجود دارد كه كاربران از يك اصطلاح براي مفاهيم متفاوت استفاده نمايند». (چه ابتكاري! چه اكتشافي!)

نمونه‌اي از كاربرد يك ابزار «سنتي» كتابخانه‌اي در زمينه سازماندهي محتواي وب، موتور جستجوي BUBL است كه توسط مركز تحقيقات كتابخانه ديجيتالي دانشگاه استرات كلايد واقع در گلاسكو طراحي شده و وب‌سايتها را بر مبناي رده بندي دهدهي ديويي، سازماندهي مي نمايد.

به نظر مي‌رسد بعضي از طراحان وب به مباحثي چون كنترل واژگان و كنترل مستند علاقه‌مندند. بهترين نمونه از اين مورد، پروژه «جستجو در TAP» است كه توسط دانشگاه استنفورد طراحي شده است. دو مزيت عمده موتور جستجوي مذكور «قابليت [پاسخگويي] آن به عبارتهاي جستجويي كه در برگيرنده واژه هايي چند مفهومي باشند [...]؛ و همچنين بسط عبارتهاي جستجو، زماني كه يك موجوديت چندين نام دارد، است» «جستجو در TAP» بر مبناي فناوريهاي وب معنايي، بخصوص مفهوم هستي شناسي واژگاني شكل گرفته است. هستي شناسي هاي واژگاني براي كتابخانه‌ها نيز اهميت بسياري دارند.

5ـ2ـ3. هستي‌شناسي‌هاي واژگاني

از هستي‌شناسي‌هاي واژگاني به دو صورت مي‌توان در كتابخانه‌ها استفاده كرد:

1. افزودن معنا به روابطي كه پيشتر با كمك اصطلاحنامه ميان مفاهيم به وجود آورده ايم و تبديل اصطلاحنامه‌ها به هستي شناسي هاي واژگاني. نمونه‌اي جالب از اين رويكرد، اصطلاحنامه AGROVOC است كه روابط معنايي قديمي خود مانند «استفاده كنيد»، «به جاي»، «اصطلاح اخص»، «اصطلاح اعم» و «اصطلاح مرتبط» را با عبارتهاي پرمعناتري مانند موارد زير جايگزين نموده است»: <املاهاي متفاوت دارد>، <ترجمه دارد>، <شامل برخي اجزاست>، <جزء الحاقات مدرك...است>، <به واسطه> و....

2. افزودن ارزش معنايي به عناصر داده اي موجود در توصيفهاي كتابشناختي و بايگانيهاي مستند از طريق انطباق آنها بر يك هستي شناسي واژگاني و يا يك مدل مرجع معنايي ديگر. اين كار هدف اصلي فعاليت گروه كاري هماهنگ سازي FRBR/ CIDOC CRM است. CIDOC CRM يك مدل مرجع معنايي است كه توسط جامعه اطلاعات ميراث فرهنگي موزه ها تدوين شده است. ايده اصلي، قراردادن مدل ملزومات كاركردي پيشينه‌‌هاي كتابشناختي و CIDOC CRM در يك راستاست، به گونه‌اي كه قابليت يكپارچه سازي اطلاعات در سطح كتابخانه‌ها و موزه ها وجود داشته و همچنين بتوان بعدها اطلاعات كتابشناختي را در كاركردهاي وب معنايي مورد استفاده قرار داد.

5ـ3. هنگامي كه «تمام» (يا بخشي) از اطلاعات سازماندهي گرديد، چنين نظمي را چگونه بايد نمايش داد؟

علاوه براين، استفاده از هستي‌شناسي‌هاي واژگاني، طراحي فهرستهاي همگاني پيوسته گرافيكي نوين را امكان پذير مي‌سازد. فهرستهايي كه در آينده به خوبي مي‌توانند جايگزين فهرستهايي شوند كه امروزه آن‌قدر به آنها وابستگي داريم كه متوجه كاستيهاي آنها نمي شويم. چنين فهرستهايي ممكن است شبيه به موتور جستجوي وب برين محصول شركت فناوريهاي برين باشد.رويكردي مشابه در كار نظام آكوا براوزر محصول مديالب مورد استفاده واقع شده است. فناوري مشابهي نيز در يك طرح آزمايشي دردست اقدام، به منزلة بخشي از پروژه اروپايي اسكالپچر با نام مرورگر مفهوم به كار گرفته شده است. مرورگر مفهوم برمبناي مدل معنايي CIDOC CRM طراحي شده و به زودي اطلاعات كتابشناختي و اطلاعات مربوط به موزه‌ها را يكپارچه‌سازي خواهد نمود. ممكن است به نظر پيچيده برسد، اما هنوز يك طرح آزمايشي به حساب آمده و در سطح وسيع براي كاربران نهايي طراحي نشده است. اين طرح، نمونه يك هستي‌شناسي واژگاني كامل را به نمايش مي گذارد كه مسلماً بايد در قالبي بسيار ساده به نمايش در آيد و همچنين از واژگاني متفاوت از آنچه در CIDOC CRM به كار مي‌رود، استفاده نمايد تا براي غير متخصصان نيز قابل استفاده باشد. در اين طرح از اصول پايه اي سازماندهي اطلاعات استفاده مي‌شود. برخلاف مرورگر مفهوم، طرح آزمايشي ديگري به نام آنتوپيا ، برمبناي مقادير ثبت شده به منزله عناصر داده‌اي عمل مي كند (بخصوص در قالب نقشه هاي موضوعي). اين مقادير در متن روابط دروني خود به نمايش در مي آيند. آنتوپيا اختصاصاً متمركز بر اطلاعات كتابشناختي نيست. اما نمونه اي كه در وب‌سايت آنتوپيا وجود دارد، شمايي كامل از شكل احتمالي بايگاني هاي مستند كتابخانه‌ها در آينده را به نمايش مي گذارد... .

در واقع، چنين احتمالاًتي مرا به ياد مفهوم «پيشينه مادر» مي اندازد كه 10 سال پيش توسط رحمت‌الله فتاحي ارائه شد. مطمئنم يافته هاي فتاحي بسيار ارزشمند بوده و نشانه‌هايي در مورد اوپك هاي پيشرفته آتي را ارائه مي كند، اما فناوريهاي مورد استفاده در زمان وي هم اكنون قديمي شده اند (فنون با چنان سرعتي پيشرفت مي‌كنند كه 10 سال تقريباً معادل يك قرن است!). فناوريهاي جاوا كه قلب نظامهاي پيش گفته را تشكيل مي‌دهد، ما را در بهره‌برداري صحيح از مفهوم «پيشينه مادر» فتاحي ياري مي نمايد. آنچه در اينجا مطرح مي‌شود، در واقع پيشنهادي مبني بر چگونگي نمايش اطلاعات و سازماندهي روابط كتابشناختي در سطح اثر است:

(مسلماً اين پيشنهاد مطلق نيست و مي‌تواند بهبود پيدا كند. برخي آن را بسيار گسترده، پيچيده و سردرگم كننده مي دانند و ديگران ممكن است آن را بسيار ساده بدانند، زيرا شامل بسياري از روابط احتمالي نمي‌شود.)

استفاده از هستي‌شناسي‌هاي واژگاني، در كنار فناوريهاي جاوا، به خوبي مي‌تواند فهرستهاي كتابخانه‌اي را بسيار فراتر از سازماندهي صرف اطلاعات در قالب سنتي «پديدآور/ اثر» و يا انگاره «موضوعي» سونونيوس، ببرد. آنچه مسلم است، آن‌‌كه اين عمل به سازماندهي «تمام اطلاعات» منجر نمي‌شود، اما بخش بيشتري از اطلاعات را سازماندهي خواهد نمود.

6. نتيجه گيري

در پايان بررسي «امكان پذيري» «سازماندهي تمام اطلاعات» از «ديدگاه كتابخانه‌اي» مي خواهم مطالبي را در باب ديدگاه خود نسبت به آينده فهرست نويسي بيان نمايم.

• تصور مي كنم (اميدوارم؟) جنبه‌هاي توصيفي فعاليتهاي فهرستنويسي تا حد زيادي كاهش يابد. توصيف مدارك مي‌تواند (بايد؟) براساس عناصر داده‌اي تدوين شده توسط توليدكنندگان آثار در قالب ONIX باشد. (مسلماً اين بحث تنها در مورد محصولات جديد كاربرد دارد، نه براي فهرستنويسي منابع قديمي تر مانند كتابهاي قرن هفدهم).

• كنترل مستند مسلماً يكي از نقاط قوت كار ماست. بدون در نظر گرفتن اين مسئله كه به نظر مديران كتابخانه چقدر گران بيايد، نبايد آن را از حذف كرد. كنترل مستند، ارزش افزوده‌اي است كه مي‌توانيم به عناصر توصيفي برگرفته از ONIX بيفزاييم. برخي از طراحان وب بر آن رشك برده و سعي در تقليد از آن در محيط وب دارند. كنترل مستند براي رسيدن به «هدف مرور»ي كه سونونيوس بر 4 فعاليت كاربر در مدل ملزومات كاركردي پيشينه كتابشناختي مي‌افزايد، اجتناب ناپذير بوده و با «قوانين فرانكفورت» كه زمينه ساز قواعد فهرستنويسي بين‌المللي بعد هستند، آميخته است .

• ممكن است (بايد؟) كتابداران گرايش انحصارطلبانه خود را نسبت به فهرستهاي كتابخانه‌اي كنار بگذارند و ايده برقراري پيوند (و يا ايجاد امكان برقراري پيوند) ميان اطلاعات سازماندهي شده با منابع خارجي را كه به گونه‌اي متفاوت نظم يافته‌اند، بپذيرند؛ حتي اگر اين منابع به نظر آنها كاملاً كنترل نشده و بدون نظم باشند. ويكي سايت (اگر زماني وجود خارجي پيدا كند)، رده‌بنديهاي عاميانه، بلاگها، سايتهاي شخصي و... منابع كنترل نشده اي هستند كه فهرستهاي ما را ارزشمندتر مي‌سازند؛ درست همان‌گونه كه ما عناصر داده اي قالب ONIX توليدكنندگان اطلاعات را با داده‌هاي خود ارزشمندتر مي‌سازيم. بيان همزمان كنترل مستند و رده بنديهاي عاميانه توسط من اگر متضاد نباشد، نارسا به نظر خواهد رسيد، اما بايد توجه داشت كه اين دو فرايند، مكمل يكديگرند و با روشهايي كاملاً متفاوت به ما در جهت رسيدن به يك هدف ياري مي رسانند: «قابليت بازيابي اطلاعات سازماندهي شده را براي كاربران نهايي افزايش مي دهند».

• از آنجا كه كنترل مستند نقطه قوت كار ماست، بايد داده‌هاي مستند خود را در دسترس هركسي كه نيازمند آن است قرار دهيم. «خدمات فهرست مستند نامهاي كتابخانه كنگره» كه توسط OCLC ارائه مي‌شود، نمونه خوبي از اين كار است كه بايد توسط ديگران نيز دنبال شود. استفاده از بايگاني مستند بين المللي مجازي، در آينده بايد به غير كتابداران نيز تسري يابد. بايد مخازني از داده‌هاي مستند با قابليت دسترسي آزاد (OAI ) در سطح وسيع ايجاد نماييم. تنها به اين خاطر كه اگر كسي اتفاقا از من بپرسد «آيا از ديدگاه كتابخانه‌اي ممكن است تمام اطلاعات را سازماندهي نمود؟» من تنها پاسخ دهم: «خير». به هر حال، بايد فرانسوي شوم و همان پاسخ فرانسوي هميشگي را بدهم...

منابع

-Anderson, Chris. (2004) “The long tail.” In: Wired magazine [on line]. Issue 12.10. Available from World Wide Web: <http://www.wired.com/wired/archive/12.10/tail.html>.

-Bowen, Jennifer (2005). “FRBR: coming soon to your library?” In: Library resources and technical services. Vol.49, No. 3. P. 175-188

-Fattahi, Rahmatollah (2005). A prototype catalogue of super records: an experiment [on line]: a multi-level access to works in online catalogues. [Mashhad, Iran]: R. Fattahi, [ca. 1997?] [cited 28 July 2005]. Available at: <http://web.um.ac.ir/~fattahi/supercat.htm>, and especially <http://web.um.ac.ir/~fattahi/Superintnew.htm>, as most of the other pages, unfortunately, are no longer available…

-Fattahi, Rahmatollah (2005). The relevance of cataloguing principles to the online environment: an historical and analytical study [on line]: [PhD], School of Information, Library and Archive Studies, University of New South Wales Sydney, 1997. [Mashhad, Iran]: R. Fattahi, [s. d.] [cited 28 July 2005]. Available at: <http://web.um.ac .ir/~fattahi/thesis1.htm>.

-Febvre, Lucien, and Martin, Henri-Jean (1997). The coming of the book: the impact of printing, 1450-1800. London-New York: Verso. Chapter 6. This summary is borrowed from a review by Caroline Davis, <http://apm.brookes.ac.uk/publishing/contexts/ impact/febvre.htm>.

-Hagler, Ronald (1977). “Access points for works”. In: International Conference on the Principles and Future Development of AACR, Toronto, Canada, October 23-25, 1997. Available at <http://epe.lac-bac.gc.ca/100/200/300/jsc\_aacr/access/r-access.pdf>.

-Hickey, Thomas (2005). Information management in a knowledge society [on line]: [paper presented at ICIM 2005, International Conference on information management in a knowledge society, Mumbai, India, February 21-25, 2005]. [Dublin, Ohio]: OCLC, [2005] [cited 20 July 2005]. Available from World Wide Web: <http://www.oclc.org/research/presentations/hickey/ icim2005.ppt>. Slide 16.

-Lee, Hwa-Wei (2005). “Knowledge management and the role of libraries: [paper for the Third China-US Library Conference, Shanghai, China, March 22-25, 2005].” In: Chinese librarianship: an international electronic journal [on line]. June 1. Issue No. 19. ISSN 1089-4667. Available from World Wide Web: <http://www.white-clouds.com/iclc/cliej/cl19lee.htm>.

-Mathes, Adam (2004). Folksonomies – Corporative classification and communication through shared metadata [on line]. December 2004 [cited 18 July 2005]. Available from World Wide Web:<http://www.adammathes.com/academic/computer-mediated-communication/folksonomies.html>.

-McCool, Rob (2005). Search on TAP: Documentation [on line]. Stanford, CA: Stanford University, c2005 [cited 18 July 2005]. Available at: <http://sp08.stanford.edu/>.

-Merholz, Peter (2005). How I learned to stop worrying and relinquish control [on line]. San Francisco, CA: Adaptive Path, June 21, 2005 [cited 19 July 2005]. Available from World Wide Web: <http://www.adaptivepath.com/publications/essays/archives/000501 .php>.

-Merholz, Peter (2004). Metadata for the masses [on line]. San Francisco, CA: Adaptive Path, October 19, 2004 [cited 19 July 2005]. Available from World Wide Web: <http://www.adaptivepath.com/ publications/essays/archives/000361.php>.

-Newberry, Stirling (2005). Proposal Wikicite [on line]. Dated 5 January 2005 [cited 26 July 2005]. Available at: <http://en.wikipedia .org/wiki/Wikipedia\_talk:WikiProject\_Fact\_and\_Reference\_Check/archive.

-Nicolas, Yann (2003). “A French perspective: making the National Library of New Zealand responsive to Māori.” In: New Zealand Libraries. 2003. Vol. 49, No. 9. P. 309-313

-Quintarelli, Emanuele (2005). “Folksonomies: power to the people: paper presented at the ISKO Italy-UniMIB meeting, Milan, June 24, 2005.” In: Incontro ISKO Italia-UniMIB: Milano, 24 giugno 2005 [on line]. [Pavia]: International Society for Knowledge Organization (ISKO), Sezione italiana, 2005 [cited 18 July 2005]. Available from World Wide Web: <http://www.iskoi.org/doc/ folksonomies.htm>.

-Soergel, Dagobert, et al (2004). “Reengineering thesauri for new applications: the AGROVOC example.” In: Journal of Digital Information (JoDI). Vol. 4, issue 4, article No. 257. Available at: <http://jodi.tamu.edu/Articles/v04/i04/Soergel/>.

-Svenonius, Elaine (2000). The intellectual foundation of information organization. Cambridge, Mass.: The MIT Press. P.7.

-Terra, José Claudio, and Angeloni, Terezinha (2003). Understanding the difference between Information Management and Knowledge Management [on line]. [S. l.]: The Providers Edge, LLC, [s. d. – 2002 or 2003?] [cited 21 July 2005]. Available online: <http://www.providersedge.com/docs/km\_articles/Understanding\_the\_Difference\_Between\_IM\_ and\_KM.pdf>. P.2.

-Wikipedia, the free encyclopedia. Last modified 9 February 2005 [cited 18 July 2005]. Available at: <http://en.wikipedia.org/wiki/ Wikipedia:Wikicite\_project\_purpose>.

-Nicolas, Yann (2003). “A French perspective: making the National Library of New Zealand responsive to Māori.” In: New Zealand Libraries. Vol. 49, No. 9. P. 309-313.

-Cohen Steven M (2005). “Tags turning Web chaos into categories.” In: Library Stuff blog [on line]. Medford, NJ: Information Today, March 17, 2005 [cited 27 July 2005]. Available from World Wide Web: <http://www.librarystuff.net/2005/03/tags-turning-web-chaos-into-categories.html>.

-Brindley, Lynne (2005). Re-defining libraries for the Google age [on line]. London: eGov Monitor, published Monday, 11 July, 2005 [cited 20 July 2005]. Available from World Wide Web: <http://www.egovmonitor.com/node/1823>. Extracts from the EPS study are available at: <http://www.bl.uk/about/articles/ pdf/ epsreport.pdf>.

-Statement of international cataloguing principles [on line]: draft approved by the IFLA Meeting of experts on an international cataloguing code, 1st, Frankfurt, Germany, 2003: “final” draft… showing further recommended changes from Buenos Aires August 2004 (Jan. 2005 draft). Washington, DC: Library of Congress, 2005 [cited 28 July 2005]. Available from World Wide Web: <http://www.loc.gov/loc/ifla/imeicc/source/statement-draft\_jan05pdf >.

1. مقاله حاضر ترجمه اي است از مقاله:

Patrick Le Boeuf, "Is it Possible to Organise all Information? Library ViewPoint" . at Satellite Meeting to the 71st WLIC – Järvenpää, 11 – 12 August 2005: "Bibliotheca Universalia: How to Organise Chaos?" Available online: <www.kaapeli.fi/~fla/ frbr05/2005Jarvenpaa\_LeBoeufw.pdf >

2. Patrick Le Boeuf

3. دانشجوي دورة دكتراي علوم كتابداري و اطلاع‌رساني دانشگاه فردوسي مشهد.

1. Google Print.

2. Jose Claudio Terra & Terezinha Angeloni.

1. Hwa- Wei Lee.

2. Elaine Sevenonius.

3. The Intellectual Foundation of Information Organization.

4. Janna Kekäläinen.

1. تمايز ميان اين دو به خوبي توسط سونونيوس در كتاب «بنياد فكري سازماندهي اطلاعات» تبيين گرديده است: «تفاوتي عمده ميان سازماندهي اطلاعات به منظور گردآوري مجموعه اي داير‌‌‌‌ة‌المعارف گونه از دانش و سازماندهي اطلاعات به منظور بازيابي آن وجود دارد. در مورد اول، آنچه نظم مي يابد اطلاعات است و در مورد ديگر، اين مدارك حاوي اطلاعات مانند كتابها كه در قفسه هاي كتابخانه طبقه بندي مي شوند و يا جانشينهاي آنها مانند فهرستبرگه‌ها هستند كه در فهرست نظم مي يابند. در حوزه بازيابي اطلاعات، هدف از سازماندهي اطلاعات، نه گردآوري، كه توصيف است.

2. Thomas Hickey.

1. استفاده از فرايندهاي انتقال محتوا در حوزه ضبط صدا حدوداً يك قرن سابقه دارد. هرگاه محملهاي جديدي به وجود بيايند، محتواي صوتي محملهاي مختلف را بايد به آنها منتقل نمود. مسلماً حجم زيادي از اين محتواي صوتي به اندازه كافي ارزشمند نبوده و لذا تنها از طريق همان محملهاي قديمي دسترس پذير خواهند بود. به عبارت ديگر، محتواي صوتي مذكور به محمل جديد منتقل نمي شود.

2. Johann Froben.

3. Beatus Rhenanus.

4. Speyer .

1. گوگل در اين راستا ادعا مي كند كه هدفش "سازماندهي اطلاعات جهان است، اما هنوز همه اطلاعات به صورت پيوسته در نيامده اند".

2. Lucien Febvre & Henri – Jean Martin.

3. The Coming of the book.

1. نيكلاس (Nicolas, 2003) طي مقاله بسيار جالبي بيان مي دارد: "نويسنده اهل كشوري است كه كتابخانه ها و ساير مؤسسه‌ها قادر به حل مشكل اقليتهاي قومي نمي باشند، زيرا كه ميان اسطوره وحدت جمهوري فرانسه و چند مليت گرايي آنگلوساكسون تعارض وجود دارد.

2. مي توانم در گوگل پرينت مجموعه اشعار دوزبانه (انگليسي ـ برتونيايي) شاعره برتونيايي كه اكثر اشعارش مربوط به سركوب بريتانيها توسط فرانسويهاست، بيابم. در حالي‌ كه در گاليكا مدارك مربوط به اواخر قرن هجدهم را مييابم كه در آنها بريتاني ها را هواداران سرسخت انقلاب فرانسه معرفي كرده است. در گوگل پرينت دستورنامه مدرن آموزش زبان بريتاني را مي يابم، در حالي كه در گاليكا، كتاب دستور زبان مربوط به قرن نوزدهم، تنها منبع قابل بازيابي به زبان بريتاني است. در گوگل پرينت مطالب تحقيقاتي جالبي در مورد ارتباط ميان زبان بريتاني با زبانهاي سلتي بريتانيا را مي يابم، در حالي كه در گاليكا تنها مجموعه اي از داستانهاي عاميانه بريتاني و همچنين راهنماي مسافر براي استان بريتاني فرانسه بازيابي مي شود. در مجموع، ديدگاه آمريكايي و يا آنگلوساكسوني گوگل پرينت بسيار كمتر از ديدگاه راديكال گاليكاست. البته اين بدان معنا نيست كه من گوگل پرينت را براي سازماندهي تمام مدارك مرتبط با بريتاني ها كافي مي دانم...

1. Embodying the same work.

1. Functional Requirements of Bibliographic records (FRBR).

2. Barbara Tillett.

1. Emily Dickinson.

2. بسياري از پيشينههاي مرتبط با اميلي ديكينسون در فهرست كتابخانه كنگره در واقع مربوط به برداشتهاي موزيكال آثار وي است.

1. Fiction Finder (http://fictionfinder.oclc.org).

2. World Cat.

3. Resource Description and Access.

1. Bibliotheca Universalis.

1. Raison d'etre.

2. Principle of Sufficiency and Necessity.

1. در تدوين اين مثال، در واقع در فكر فيلم "آيداهوي خودم" اثر گاس ون سان (1991) بودم. تقريبا نيمي از كلام اين فيلم برمبناي نمايشنامه هنري پنجم شكسپير نوشته شده است. مسلماً چنين مسئله‌اي براي دانشمندان شكسپير شناس و محققان حوزه سينما بسيار مهم خواهد بود. اين در حالي است كه در هيچ يك از دو فهرست كتابخانه كنگره و كتابخانه ملي فرانسه، اين مسئله ذكر نشده است، در حالي كه در سايت آمازون و چند سايت شخصي ديگر چنين مطلبي مطرح گرديده است ( به عنوان مثال در سايت http://scifiscripts.name2host.com/msol/idaho.html به اين مسئله تحت گزينه‌اي با نام «ديالوگهاي افزوده»!! اشاره مي شود). بنابراين، به منظور نگارش پايان نامه دكتراي خود در مورد تأثير شكسپير بر سينما، بهتر است از سايت آمازون استفاده كنيد تا فهرست كتابخانه...

2. مومين ها (Moomins) شخصيتهاي داستاني معروفي در داستانها و افسانه هاي فنلاندي هستند.

1. Outsourcing.

2. Bibliographic Enrichment Advisory Team (BEAT).

1. WikiSite.

1. با انتخاب هر پيوند، صفحه اي از ويكي سايت باز مي شود كه هم در برگيرنده داده هاي مارك و هم در برگيرنده توصيفهاي جامعه ويراستار ويكي (منبع غني سازي) خواهد بود. اين بخش مي تواند شامل شناساگرهاي ديگري به منظور استناد دهي، كتابشناسي اثر و اطلاعات ساير ويرايشهاي آن باشد.

2. Folksonomies.

3. Emanuele Quintarelli.

1. قانع ساختن كتابداران در مورد استفاده از رده‌بنديهاي عاميانه بسيار مشكل است [...] به نظر من مسئله هوش جمعي در عمل مسئله‌اي است كه كتابداران بايد با آن دست و پنجه نرم كنند نه آنكه از آن واهمه داشته باشند. اين تصور كه كتابداران در امر اشتراك دانش بسيار عالي هستند درست به نظر نمي رسد. با وجود اين، ديده مي‌شود افرادي از دخالت ديگران در اين امر ناراضي‌اند. كتابداران بايد بياموزند كه با مسئله كنار بيايند.

1. لين بريندلي (Brindley, 2005) مدير ارشد كتابخانه بريتانيا به تازگي بيان داشته است كه "طي پژوهشي توسط خدمات نشر الكترونيك (Electronic Publishing Services) در كتابخانه بريتانيا، در سال 2020 چهل درصد از تك نگاشتهاي تحقيقاتي در بريتانيا تنها در قالب الكترونيكي قابل دستيابي خواهند بود، در حالي كه 50% ديگر هم در شكل چاپي و هم در شكل الكترونيكي وجود خواهند داشت. و فقط 10درصد از عنوانهاي جديد به صورت چاپي انتشار خواهند يافت.

2. اندرسون (Anderson, 2004) به اين نكته اشاره مي كند كه جهاني سازي از طريق ايجاد بازارهاي محصولات فرهنگي و سرگرمي را امكان پذير مي سازد. محصولاتي كه نه پرفروش به حساب مي آيند و نه بسيار موفق. اما داشتن 5000 خريدار در سطح جهان نيز سودآور خواهد بود. درست به اندازه داشتن 5000 خريدار در يك شهر. اين شبكه ها با برداشتن ويژگي مكانيت، تقاضا براي كتابهاي مستعمل را نيز بالا مي برند. اين مسئله را با هزينه‌هاي رو به كاهش انتشار در نظر بگيريد، مشخص مي شود كه چرا هر كتابي بايد همواره دسترس پذير باشد. مسلماً اين بدان معناست كه كودكان ما در اين عصر هرگز معناي كتاب ناياب را در نمي يابند. و فايده اين امر تنوع بيشتر، برگرداندن آثار يك قرن كمبود در توزيع و سرانجام اتمام غلبه سودجويي است. اگرچه اندرسون اشاره‌اي به اين مطلب نمي‌كند (تمركز وي بيشتر بر بازار محصولات سرگرمي و شركتهاي تجاري مي باشد) اما مسلماً كتابخانه‌ها در اين محيط جديد نقش خواهند داشت و فهرستهاي گذشته (و مجموعه هاي ما حداقل در كتابخانه هاي تحقيقاتي، بيشتر شامل فهرستهاي قديمي مي شود) حياتي دوباره خواهند يافت.

1. Ontologies.

2. Open World Cat

3. Peter Merholz

1. Centre for Digital Library Research.

2. Strathclyde.

3. Telocator Alphanumeric Protocol (TAP)

1. Semantic reference model.

2. FRBR/ CIDOC CRM Harmonization Working Group.

1. Web Brain.

2. Aqua Browser System.

3. Medialab.

4. SCULPTURE.

5. Concept Browser.

6. Ontopia.

7. Super Record.

1. وي در كتاب خود به اين نكته اشاره مي كند كه چهار هدف تبيين شده (يافتن، شناسايي، انتخاب و دسترسي) براي مدل ملزومات كاركردي پيشينه هاي كتابشناختي كافي نبوده و بايد هدف "مرور" را نيز به آن افزود.

2. از كاركردهاي پيشينه كتابشناختي آن است كه كاربر را قادر مي‌سازد فهرست را مرور كند (اين مهم از طريق تنظيم منطقي اطلاعات كتابشناختي و نمايش آنها به گونه اي كاملا روشن براي تعيين مسير حركت مي باشد، كه شامل نمايش روابط ميان آثار، برداشتها، قالبهاي مختلف و مدارك خاص مي گردد.)

1. Open Archives Initiative.